

گزارشی از روز اول تظاهرات G8

در مبارزات G8 اتفاق بزرگی نخواهد افتاد، اما یک پیام مهم دارد: ما نظم جهان کنونی را بر هم خواهیم زد و جهان دیگری را خلق خواهیم کرد.

■ شنبه، دو ژوئن

به سوی روستوک

ساعت چهار و نیم صبح با تمامی وسایل از خانه خارج شدیم تا خود را به اتوبوس هائی که به شهر روستوک می روند برسانیم. اتوبوس هایی که از بسیاری از شهرهای آلمان برای بردن مردم به روستوک سازماندهی شده بودند. دوستان و رفقای دیگرمان از هامبورگ، فرانکفورت، هلند و بلژیک به مقصد رسیده بودند. مرتب در حال تماس با یکدیگر بودیم. مصمم بودیم امسال به عنوان نیروهای مترقی ایرانی در بلوکی متحد در تظاهرات صد هزار نفری شرکت کنیم. بی خوابی و خستگی همگی مان باعث شد که وقتی به اتوبوس ها رسیدیم متوجه شویم که پلاکاردها را جا گذاشته ایم. این بنرها و پلاکاردها هويت جمع ما بود، بدون آنها مانند توده ای بی شکل در میان دهها هزار نفر تظاهرکننده متشکل گم می شدیم.

می خواستیم در این تظاهرات به عنوان صف ایرانیان ضد G8 شرکت کنیم. ایران یکی از موضوعات مهم صحنه سیاسی جهان است. در کنفرانس سران هشت کشور هم در مورد ایران تصمیم هائی خواهند گرفت و ما به آنجا می رویم تا اعلام کنیم اصلا این سران هشت کشور هیچ مشروعیتی ندارند تا بخواهند در مورد ما و مردم منطقه تصمیم بگیرند.

هیچ راهی نداشتیم جز اینکه با تاکسی برگردیم و پلاکاردها را بیاوریم و همه صرفه جوئی ها را بر باد دهیم. وقتی برگشتیم یک جمعیت چند هزار نفره سرتاسر محوطه ای که اتوبوس ها پارک کرده بودند موج می زد. حالا ساعت پنج و نیم صبح است و قرار است اتوبوس ها ساعت ۶ حرکت کنند. واقعا نمی توانستیم باور کنیم می توان این همه جمعیت را ظرف این مدت کم سوار اتوبوس ها کرد تا بتوان ساعت ۶ حرکت کرد. اما اینکار ساده تر از آنچه تجربه و تصور من بود انجام گرفت. چند جوانی که سازماندهی این اتوبوس ها را به عهده داشتند به طرز حیرت انگیزی، بسیار ساده و منظم، بدور از پروسه های بوروکراتیک معمول، در کمتر از ۴۵ دقیقه همه این جمعیت را در اتوبوس ها سازماندهی کردند. خود این شمه بود از اینکه مناسبات انقلابی و تعاون دوستانه و عاری از ارزش های جامعه طبقاتی، چقدر می تواند سازماندهی کارها را راحت تر و کارآتر کند.

تظاهرات

در حقیقت آغاز تظاهرات از محوطه پارکینگ بسیار وسیعی بود که اتوبوس ها مسافری خود را پیاده می کردند. در مسیری که به محوطه پارکینگ می رسیدیم دیدیم که صدها اتوبوسی که قبل از ما رسیده بودند، در خیابان پارک شده بودند.

خوشبختانه محل پارکینگ اتوبوسها به صفی که ما به آن می پیوستیم، نزدیک بود: صف جریانات "آنتی راسیست" و "کاروان" (جنبش سراسری پناهندگان و مهاجرین در آلمان). پیدا کردن صف کاروان مشکل نبود. دهها زن و مرد با لباس زرد شبیه لباس زندانیان گوانتانامو و آرم "آزادی حرکت" را همراه با گروه بزرگی از طبالان سیاه پوست آفریقائی و زنانی که می رقصیدند به آسانی پیدا کردیم.

مثل همیشه سبک نبودیم، ده ها ساک و کارتون نشریه و اعلامیه حرکت ما را در تظاهرات خیلی سخت می کرد. به طوری که کار غیر معمولی کردیم و از ماشین

بلندگو خواستیم که تا پایان تظاهرات بار ما را بکشد. تلاش برای وصل شدن به بقیه دوستان و رفقا که قبل از ما رسیده بودند و به منطقه دیگری در روستوک رفته بودند غیر ممکن شد. به خاطر تعداد کثیر جمعیت تظاهر کننده در شهر، تظاهرات از دو قسمت مختلف شهر شروع می شد و فرار بود این دو صف در منطقه ای معین به یکدیگر برسند، که بدلیل طولانی بودن صف ها، پس از بیش از یک ساعت به یکدیگر رسیدند.

پلاکارد ما با شعار "نه به ارتجاع، نه به امپریالیسم" به زبان فارسی و انگلیسی و همچنین پلاکاردهای دیگر با شعار "نه به هرگونه دخالت امپریالیستی در ایران، نه به جمهوری اسلامی"، "زنان ایران نیاز به قیم ندارند"... توجه بسیاری را به ما جلب کرد. در این مدت کم، صدها اطلاعیه به زبان های انگلیسی و آلمانی پخش کردیم چرا که بسیاری از مردم می خواستند بدانند که ما در مورد G8، در مورد جنگ، در مورد گلوبالیزاسیون چه می گوئیم. با دوستان دیگرمان در بخش دیگر تظاهرات نیز مرتباً در ارتباط بودیم. بخش زیادی از اعلامیه ها در دست آنها بود و باید به طریقی به ما می رساندند. آنها نیز به ما خبر دادند که بسیاری از رسانه ها با آنان مصاحبه کرده اند و می گفتند پرچم زنان هشت مارس در بخش دیگر تظاهرات نیز بسیار جلب توجه کرده بود.

در صف تظاهرات چندین جوان ایرانی که به سختی فارسی صحبت می کردند به ما پیوستند و می گفتند که اطلاعیه ما را در سایت کمیته هماهنگی ضد G8 خوانده اند و خوشحال بودند که ما را پیدا کرده اند. بلندگوی دستی ما در آن تظاهرات عظیم صدای چندانی نداشت و یکی از فعالین "زنان هشت مارس" موفق شد از بلندگوی تشکیلات کاروان برای شعار دادن استفاده کند.

جالب اینکه با گروهی روبرو شدیم که با شعار "دست آمریکا از ایران کوتاه" و همچنین "خروج نیروهای امپریالیستی از افغانستان و عراق" در کنار ما قرار گرفتند. این نیروها اغلب انگلیسی و آلمانی بودند. در صف تظاهرات ما، اعلامیه های متنوعی پخش می شد، اعلامیه سازمان زنان هشت مارس به آلمانی علیه G8، اعلامیه کمیته هماهنگی ایرانیان ضد G8 به زبان های انگلیسی و آلمانی (اعلامیه های فارسی همه روی دستمان ماند)، اعلامیه هفت حزب و سازمان چپ ایرانی (حزب کمونیست ایران [م ل م]، سازمان انقلابی راه کارگر، حزب کمونیست ایران، ...) به زبان های آلمان و انگلیسی علیه G8 پخش می شد. همه این اعلامیه ها به طرق مختلف مهمترین خواست مردم ایران یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی و مرزبندی روشن با امپریالیست ها را بیان می کردند.

فکر می کردیم که درگیری تظاهرکنندگان با پلیس از روزهای بعد شروع خواهد شد ولی حدود ساعت چهار به محض اینکه دو صف تظاهرات به هم رسید، درگیری های شدیدی بین پلیس و بخشی از جریانات آنارشیست، اتونوم و... شروع شد. در صف ما که اکثریت زنان فعال جنبش زنان بودند چندین کودک در طول راه در حال ورجه ورجه بودند. اولین کاری که کردیم دور کردن بچه ها از منطقه بود تا خودمان به تظاهرات ادامه دهیم. سازماندهی سریع بچه ها و همچنین در آن واحد جوانان درون صف ما که به شدت برای شرکت در درگیری ها بی تاب بودند کار آسانی نبود. نیروهای جوانی که خیلی وقت نیست از ایران خارج شده اند دلشان می خواست تجربه شان در درگیری با پاسداران را اینجا هم به کار گیرند. تنفرشان از نظام حاکم بر ایران و جهان، خشمشان از بی آیندگی همراه با شور و جسارت شان برای مبارزه با محافظین نظم موجود محرکی بود تا هرچه سریعتر خودشان را به صفوف جوانان غربی با لباس های سراپا سیاه و صورت های پوشیده برسانند. می توان با اطمینان گفت که این جوانان از تاکتیک های مبارزاتی بسیار موثری با پلیس برخوردارند. فراموش نکنیم که اغلب دختران و پسران ایرانی از همان سنین نوجوانی وارد درگیری با پاسدار و کمیته چی ... می شوند.

سنگ بود که در هوا پرتاب می شد. پلیس بی رحمانه گاز اشک آور پرتاب می کرد و وحشیانه با باتوم شوک الکتریکی می داد. در مقابل این خشونت پلیس جوانان نیز سنگ فرس های خیابان را به آنان پرتاب می کردند.

دهها ماشین که اغلب ماشین دولتی بودند به آتش کشیده شد، شاید این آتش سوزی ها اثر گاز اشک آور را خنثی می کرد. ساعت پنج بعد از ظهر روستوک صحنه نبرد تن به تن بسیاری از نیروهای ضد G8 و پلیس بود. آسمان ابری روستوک با دود و گاز اشک آور کدر و تیره تر می نمود.

در کنار آب (روستوک کنار رودخانه واقع شده)، بلند گوها به طور مداوم سخنرانی افراد سرشناسی از ملل گوناگون را پخش می کرد که علیه جنایات و دهشت نظم نوین جهان سخن می گفتند. بعلاوه از این بلندگوها مرتباً خشونت و هجوم پلیس محکوم می شد و می گفتند پلیس از همان روز اول برای نسق کشی سعی می کند تا با تحریک جوانان، زمینه درگیری و دستگیری آنان را فراهم کند.

دیگر صف ما نیز پراکنده شد و صحنه های درگیری و نبرد با پلیس جای خود را به تظاهرات داد و عملاً تظاهرات با آغاز درگیری به پایان رسید. جای نگرانی نبود قبل از شرکت در تظاهرات و شب قبل با جمع خودمان در مورد روش های مواجهه با پلیس هنگام دستگیری صحبت کرده بودیم و به هر حال همگی ما یکدیگر را در کمپ روستوک پیدا کردیم (کمپ روستوک یکی از سه کمپ سازماندهی شده برای تظاهرات ضد G8 است).

کمپ روستوک

کمپی با ظرفیت سه تا چهار هزار نفر در خارج از شهر روستوک، وقتی به کمپ وارد شدیم چادرهای کوچک و بزرگ بسیاری در محوطه آن نصب شده بود. چادر بزرگ مرکز اطلاعات در قسمت ورودی کمپ بود. بعلاوه مراکز متعددی از جمله مدیا، پزشکی، و غیره نیز برپا بود. بالاخره گروه ما موفق شد در یکی از اتاقهای ساختمانی که گویا مرکز خبررسانی و اینترنت بود مستقر شود. البته بعداً فهمیدیم انتخاب خوبی هم نبود بخصوص وقتی اعلام کردند احتمال حمله پلیس به این کمپ زیاد است و در سیصد متری کمپ ماشین های پلیس و حتی تانک مستتر شده است و معلوم شد که وقتی پلیس به کمپ تظاهرکنندگان حمله می کند اولین جا همین مرکز اطلاع رسانی و اینترنت است.

به هر حال در سالن بزرگ طبقه آخر این ساختمان کامپیوترهای متعددی که به اینترنت وصل بود و تعدادی از همان جوانانی که در تظاهرات با لباس های سیاه صورت پوشیده شرکت داشتند، در حال تایپ خبر، تنظیم عکس و فیلم برای رسانه های آترناتیو بودند.

آنطور که باخبر شدیم، در نتیجه درگیری ها، تعداد زخمی های پلیس ۴۳۳ نفر و دستگیرشدگان تظاهرات ۵۰ نفر بود. البته یکی از همان جوانان که در حال تهیه عکس و فیلم بود با خنده گفت این پلیس ها سردرد هم که می گیرند خودشان را جزو زخمی ها محسوب می کنند، اینطوری به آنها پاداش بیشتری می دهند.

وقتی از آنها خواستیم به ما امکان کامپیوتری بدهند تا ما هم گزارش فارسی تهیه کنیم، خیلی برایشان جالب بود. فرصت شد تا با آنها در مورد مبارزات زنان، جوانان و دانشجویان صحبت کنیم و از تاکتیک های مبارزاتی با پاسداران و نیروهای انتظامی تعریف کنیم.

ساعت ۹ شب در چادر بزرگ وسط کمپ جلسه بزرگی برگزار شد. احتمال حمله پلیس به کمپ بود و همه در مورد اینکه چه تاکتیک هایی باید برای مقاومت و مبارزه در مقابل هجوم پلیس اتخاذ شود صحبت می کردند. نظرات مختلفی بود که البته بیان دیدگاههای سیاسی متفاوت این نیروهای شرکت کنند در قبال کنفرانس سران

هشت کشور بود. مثلاً یکی از مبارزات سیاسی مهم بین جریان‌های است که خواسته‌هایی را در مقابل سران G8 قرار می‌دهند و نیروهائی که می‌گویند ما اصلاً اینها را به رسمیت نمی‌شناسیم تا بخواهیم مطالباتی در مقابلشان قرار دهیم. به هر حال قرار شد ساعت ۱۱ شب هر گروهی نماینده‌ای را به این چادر بفرستد و نظر خودش را در مورد چگونگی برخورد با پلیس اعلام کند. اگر پلیس به کمپ حمله می‌کرد، موفق می‌شد این کمپ را از دست تظاهرکنندگان خارج کند و ضربه زیادی به تظاهرات می‌زد.

سازماندهی مقاومت برای شب در کمپ

قرار شد خود تیم ما هر دو ساعت دو نفر نگهبانی بدهند که در صورت هجوم پلیس بتوانیم عکس‌العمل سریع نشان دهیم. این اقدام ما اساساً به دلیل حضور کودکان همراهان بود. اما به طور کلی خود جوانان آلمانی از این ساختمان مراقبت و نگهبانی می‌کردند.

تقریباً کل کمپ تا صبح، نیمه بیدار بود. در تمام قسمت‌های مهم کمپ جوانان در حال نگهبانی بودند. مناسبات درون این کمپ حقیقتاً مناسباتی سرشار از صمیمیت، تعاون و دوستی است. جلوه‌هایی بسیار کوچک از آنچه بشر می‌تواند در جهانی دیگر تحقق بخشد.

■ صبح روز یکشنبه، سه ژوئن

کمپ رستوک

خوابیده و نخوابیده بیدار شدیم. آفتاب قشنگی در رودخانه کنار کمپ تابیده است. محوطه بزرگ کمپ با صدها چادر کوچک و بزرگ زیر نور آفتاب جلوه‌ای زیبا به خود گرفته است. بخشی از کمپ که چادر و میزهای صبحانه در آن برقرار بود، شلوغ است. چهره‌های خندان و صمیمی در صف طولانی در حال انتظار صبحانه خود هستند. لیوان کم است و همه سعی می‌کنند سریع چای و قهوه بخورند و لیوان خود را به چادری ببرند که چندین داوطلب در حال شستن ظرف و ظروف هستند تا بقیه نیز بتوانند با لیوان تمیز چای و قهوه بنوشند.

ما نیز آماده شده‌ایم. برخی از ما باید بروند. یک جمع‌بندی سریع از کار دیروز، یک تقسیم کار سریع برای کار امروز: هزاران اعلامیه هنوز باید پخش شود، باید دهها هزار نفر پیام "نه به امپریالیسم، نه به جمهوری اسلامی"، "مردم ایران قیم نمی‌خواهند"، "مردم ایران برای ساختن جهانی دیگر باید جمهوری اسلامی را سرنگون کنند"، بشنوند.

دهها هزار نفر از این مردم معترض باید بشنوند ما نیز طنین صدای اکثریت مردم ایران علیه نظام سرمایه‌داری، گلوبالیزاسیون، مردسالاری و جنگ هستیم. اگر تا فردا و پس فردا زخمی و دستگیر نشویم، باز هم برای شما از G8 گزارش می‌فرستیم.

دوشنبه ۲ ژوئن - روستوک

گزارشی از تظاهرات "فرار و مهاجرت" از مجموعه آکسیون‌های
ضد جی ۸



امروز روز آکسیون های غیر متمرکز "فرار و مهاجرت" در سراسر شهر روستوک است . اولین تظاهرات ساعت ۸ صبح با اشغال دفتر امور خارجی ها آغاز می شود، جایی که مهاجرین و پناهنده ها بطور روزانه مورد اذیت و آزار قرار می گیرند. در این اداره هاست که در مورد موقعیت کسانی که شهروندی اروپایی ندارند تصمیم گرفته می شود که آیا حق کار کردن یا درس خواندن دارند یا نه؟ حق ساده ماندن در آلمان و سایر کشورهای اتحادیه اروپا را دارند یا نه؟ این تظاهرات می خواهد درسی به این پروسه نژاد پرستانه که هدفش جدا کردن و اخراج است بدهد.

..... برای تظاهرات ساعت ۱ بعدازظهر برنامه ریزی کرده بودیم. این تظاهرات به دعوت جنبش "نو لاگر" و "کاروان" (هر دو تشکلات سراسری پناهندگی هستند) برگزار می شد و سازمان زنان هشت مارس نیز به همراه برخی تشکلات دیگر رسماً از این تظاهرات حمایت کرده است



تعداد بسیاری زیادی از کمپ رستوک در محل ایستگاه قطار ایستاده بودند. قطار با تاخیر زیادی بالاخره رسید! این هم از تاکتیک های جدید پلیس برای اخلال و ممانعت از شرکت در تظاهرات بود و ما نمی دانستیم!

در هر واگن قطار، گروه ۷ تا ۸ نفر پلیس مستقر بود و این موضوع هم خشم تظاهرکنندگان را برانگیخت و هم باعث شد که تعدادی منتظر ترن بعدی شوند چون جا برای سوار شدن نبود. این هم تاکتیک دیگری برای ممانعت از شرکت تظاهرکنندگان در تظاهرات بود!

بالاخره خود را به ایستگاه مرکزی شهر رساندیم تا ترن بعدی را برای رسیدن به محل آغاز تظاهرات سوار شویم. کلیه ترن های شهری که به این منطقه می رفتند متوقف شده بودند و همه مردم باید با پای پیاده مسافتی طولانی را طی می کردند تا به تظاهرات برسند. این هم تاکتیک دیگر پلیس برای اخلال و ممانعت از شرکت در این تظاهرات بود!



از سه کیلومتری محل تجمع با واحدهای پلیس ضد شورش در دو طرف جاده روبرو شدیم. وقتی به محل شروع تظاهرات رسیدیم پلیس از ورود جمعیت پشت سر ما به محل تظاهرات جلوگیری کرد و گویا این تاکتیکی بود که پلیس کنترل کند که به چه تعدادی از جمعیت اجازه تظاهر دهد. خبر رسید جمعیتی نزدیک به هزار نفر نمی توانند به تظاهرات بپیوندند. و این تاکتیک دیگری بود که پلیس بکار برد تا تظاهرات را متوقف کند!

ما آخرین گروهی بودیم که به محل تظاهرات رسیدیم و در نتیجه بدلیل جهت تظاهرات در صف اول تظاهرات قرار گرفتیم و ساعتها منتظر ماندیم تا صف "کاروان" و "نو لاگر" با ماشین های بزرگ بلندگو به اول صف بیایند و ما پشت آنها قرار گرفتیم. بلافاصله دختر جوانی با دیدن پلاکارد ما با شعار نه به امپریالیستها و نه به مرتجعین جمهوری اسلامی بسوی ما آمد و با فارسی سختی گفت که او هم ایرانی است و از مونترآل کانادا با دوستانش برای شرکت در مبارزات ضد جی ایت آمده است و خیلی خوشحال بود که می دید ایرانیان نیز در این مبارزات شرکت می کنند. آدرسها رد و بدل شد.

شعار اصلی این تظاهرات " نه مرز، نه ملیت، توقف اخراج"، "No Borders, No Nations, No Deportation" بود. و هم چنین "ما اینجا هستیم، چون شما کشورهای ما را درب و داغان کرده اید."

.....

ما با تعداد بسیار زیادی پلاکاردهای کوچکتر با شعار "نه به جنگ"، "نه به امپریالیستها، نه به مرتجعین جمهوری اسلامی" و توجه بسیاری از نیروهای جنبش ضد جی ۸ را به خود جلب کردیم. بنظر می آمد حضور نیروهای ایرانی برای آنها جدید بود. بسیاری از آنان فکر می کردند که ما فقط بخاطر طرح مسئله ایران در این جنبش هستیم که برایشان توضیح دادیم و البته در اعلامیه ها نیز گفته شده بود که ما هم مثل بسیاری از نیروهای مترقی جهان ضد امپریالیسم، ضد سرمایه داری، ضد مردسالاری، ضد گلوبالیزاسیون و ... هستیم و حضور ما در اینجا بدلیل تنفر ما از نظام کنونی جهان است. متاسفانه پلاکاردهای متنوع ما موضوعات عامتر بود و

پلاکاردی در مورد این تظاهرات خاص یعنی مسئله مهاجرت و فرار نداشتیم.

....

تظاهرات حرکت نمی کند

ساعت نزدیک به ۳ بعدازظهر است و پلیس اجازه حرکت نمی دهد. صف پشت ما با شعارها "سرنگون باد دولت آلمان" و شعارهایی از این قبیل بشدت بیقرار بود. مرتب از بلندگوها اعلام می شد که در حال مذاکره با پلیس هستند تا اجازه حرکت دهد. هر لحظه آماده شروع درگیری بودیم. این حرکت پلیس بشدت تحریک امیز بود. یکی از جوانان چپ آلمانی که از قبل با تشکل زنان هشت مارس آشنایی داشت به ما نزدیک شد و گفت مراقب باشیم چون تاکتیک امروز پلیس این است که وارد صف تظاهرکنندگان می شود و با اسپری گاز برخی از فعالیت را که نشان کرده مجروح می کند و یا برخی را از میان صف بیرون کشیده و دستگیر می کند. او گفت در تظاهرات صبح پلیس چند تن را اینطوری دستگیر کرده است.

.....

تا شروع تظاهرات سخنرانانی از برخی کشورهای افریقایی در مورد شرایط دهشتناک پناهندگان در آلمان صحبت کردند. سپس گروه موسیقی رپ آفریقایی ترانه هایی بسیار پرهیجان و رزمنده را به زبان فرانسه و انگلیسی خواندند.

.....



تظاهرات حرکت کند خود را آغاز کرد

بالاخره تظاهرات با شرط و شروط بسیار حرکت کرد. اما هر ۵۰ متر پلیس آن را متوقف می کرد. این تظاهرات قرار بود ساعت ۱ شروع شده و ۲ به مرکز شهر برسد، اما برخی با طنز و انتقاد می گفتند احتمالاً این تظاهرات پس از پایان "اجلاس سران هشت کشور" به مرکز شهر می رسد. شعارها چه در میان جمعیت و چه از بلندگو کاملاً تفاوت های نظری درون جنبش ضد

جی ۸ را نشان می داد: برخی شعار می داند "این کار شما شرم آور است این دمکراسی شماست؟" برخی نیز می گفتند "این همان دمکراسی بورژوازی است" برخی بر شعار همبستگی جهانی تاکید داشتند برخی نیز همزمان شعار انقلاب جهانی می دادند.

هنوز تظاهرات بیش از یک کیلومتر جلو نرفته بود که پلیس اعلام کرد که باید تظاهرات پایان یابد. از بلندگو اعلام شد که ما تن به این درخواست پلیس نمی دهیم، ما می خواهیم به تظاهرات مسالمت آمیز خود ادامه دهیم. هم چنین اعلام شد که اگر به این خواست پلیس تن دهیم در واقع راه را برای پیشروی بعدی پلیس باز کرده ایم. پلیس می خواهد هیچ تظاهراتی انجام نگیرد و یا اگر اجازه دهد کم کم شعارهای تظاهرات را هم تعیین خواهد کرد. و ... از بلندگو اعلام شد کسی متفرق نشود و دسته جمعی مقاومت کنیم. اعلام شد که هر بار پلیس خواست کسی را دستگیر کند با زنجیر کردن دستها در یکدیگر و مقاومت دسته جمعی نگذاریم. تنها بلندگوی دستی درون صفوف تظاهرات بجز بلندگوی بزرگ ماشین اول صف، بلندگوی دستی تیم ما بود. این بلندگو بین تیم ما و نیروهای دیگری که در جلو و پشت صف ما قرار داشتند تقسیم می شد. شعارها به زبان انگلیسی و آلمانی داده می شد. جوانان درون تیم ما براحتهای با نیروهای جوان گروههای دیگر نزدیک شدند. هم زمان اعلام شد که تظاهراتی در مرکز شهر در جریان است که در حال درگیری شدید با پلیس است و تعدادی تا کنون دستگیر و زخمی شده اند. بنظر می آید همان جمعیتی که نتوانستند به این تظاهرات پیوندند در شهر تظاهرات را ادامه دادند.



ساعتها توقف باعث شد که برخی روی زمین ولو شوند و استراحت کنند. نیروهای رزمنده نمی خواستند درگیری را شروع کنند چون می دانستند که در صف اول گروه "کاروان" و "نو لاگر" هستند که اکثریت شان را پناهندگانی تشکیل می دهد که هنوز اقامت قانونی ندارند و هر درگیری یعنی دستگیری این پناهندگان. به همین جهت در طول تظاهرات با متانت و خویشتنداری این مسئله را رعایت کردند اما خوب این توقفها صحنه های خنده داری هم داشت؛ پلیس زنی که تنگش آمده بود رفت کنار درختان خودش را خالی کند که با هو و هیاهوی زیاد تظاهرکنندگان کارش را نصفه ول کرد! از این توقف ها نیز دو صف ضخیم پلیس سعی می کردند برای رفع خستگی استفاده کنند! اما هر بار که دستکش هایشان را در آوردند که موز و شکلات و قهوه بخورند

برخی از تظاهرکنندگان کاری می کردند که فوری دستکش هایشان را دست کرده و حالت آماده باش بگیرند. یکی از تظاهر کنندگان گفت نمی گذاریم اینها خستگی در کنند تا بتوانند براحتهی آکسیونهای بعدی را سرکوب کنند (معلوم شد که تصمیم دارند بلافاصله پس از پایان این تظاهرات آکسیون های رزمنده خود را شروع کنند). تظاهرات نزدیک های شهر اعلام شد به پایان رسیده است. در حقیقت تظاهرات واقعی شروع شد !

تظاهرات پایان یافت، تظاهراتی دیگر در درگیری با پلیس شروع شد

تظاهرات هنوز تمام نشده بود که صفوف پشت سر ما به جلو حرکت کردند و ما نیز سریع پلاکاردها را جمع کردیم و برای تظاهرات از نوع دیگری آماده شدیم. با جنگ و گریز به نزدیکی شهر رسیدیم. از قبل تصمیم گرفته بودیم که تیم مان با تقسیم شدن به چند گروه در تظاهرات های رزمنده شرکت کند. ما هم می خواهیم پلیس را مختل کنیم. جو حکومت نظامی را بهم بزیم و از همه مهمتر با مبارزات رزمنده نشان دهیم که دمکراسی بورژوازی یک دمکراسی سطحی است که به محض اینکه این نظام احساس خطر کند اسلحه و باتون برقی را براحتهی توسط نیروهای انتظامی علیه مردم بکار خواهد برد. هم اکنون که این گزارش نوشته می شود نزدیک به ۲۰ جوان در بیمارستان در موقعیتی بسیار حساس بسر می برند. پلیس فک یکی از آنان را بالکل شکسته است، جوان دیگری زیر مشهت و لگد گروههای چند نفره پلیس دچار خونریزی داخلی شده است.

ساعت ۸ شب است پلیس همه خیابانها را بسته است و جنگ و گریز ادامه دارد. روز چهارم ژوئن است و شهر در استقبال سران هشت کشور صنعتی در دود و آتش می سوزد. کنار ساحل شهر کنسرت و میتینگ های بزرگی است. سخنرانانی در حال افشای تصمیماتی هستند که هر سال این سران علیه مردم جهان اتخاذ می کنند. موسیقی رادیکال و رزمنده بطور زنده در جریان است. گروه هی هاپ افریقایی Les refugies و هم چنین گروه ترکی، ایتالیایی و آلمانی microphone mafia

چند تن از جوانان گروه ما سر و کله شان از دور پیدا میشود. خسته اما بشاش خود را به کنار ساحل رسانده اند و به دنبال راهی تا خود را به کمپ برسانند. ترن ها با تاخیر و یکی در میان به ایستگاه کمپ روستوک می روند .

در گذشته های نه چندان دور، این جوانان کشورهای جهان سوم مانند کنفدراسیون جنبش دانشجویانی ایرانی در خارج کشور بودند که تجربه مبارزاتی خود را به جوانان غربی منتقل می کردند. بنظر می آید از این ببعده شاهد این خواهیم بود که نسل جوان ما تجربه های مبارزاتی جوانان غربی را با تجربه های خودش در مبارزه با پاسداران و تیم های بسیج و ... تلفیق کند. بشرط اینکه این جوانان مادامی که در غرب زندگی می کنند خود را در دریای مبارزات رزمنده همچون مبارزات علیه جی ۸ و جنبش های ضد جنگ در کشورهای غربی غرق کنند .

.....



سه شنبه ۵ ژوئن - روستوک

تظاهرات در مقابل فرودگاه نظامی روستوک هنگام ورود هیئت های نمایندگی سران هشت کشور

امروز دهها رسانه بزرگ از جمله کانال های خبری آلمان و بلژیک و فرانسه با ما مصاحبه کردند و از ما فیلم و عکس گرفتند. آنچه باعث جلب توجه رسانه ها و دهها هزار تظاهرکننده به ما می شود این نیست که ما نام چه سازمان و گروهی را بر خود نهاده ایم بلکه گروه کوچکی از خاورمیانه آن هم حساسترین منطقه آن یعنی ایران هستیم که با شعارهایی رادیکال در این مبارزات شرکت کرده ایم. این باعث می شود تا هرچه بیشتر احساس مسئولیت کنیم تا شایسته انعکاس صدای اکثریت مردم ستمدیده این منطقه شویم. این حس مسئولیت به ما غرور و شور و هیجانی وصف نشدنی بخشیده است.

بشاش تر از روز قبل صبح را آغاز کردیم. زندگی در کمپ رستوک در شرایطی دگرگونه و با مناسباتی خارج از چهارچوب قواعد روزمره دنیای کنونی بازتاب آینده ای است که می خواهیم بسازیم. روحیه انترناسیونالیستی و باورهای مان باورتر شده است. حمام کردن با آب سرد دلمان را سرد نمی کند، باران ما را از حرکت باز نمی دارد، و به بی خوابی مجال نمی دهیم که ما را از برخاستن باز دارد. ساعت ده صبح همگی تیم در کنار هم گرد آمدیم تا برنامه های روزمان را مرور کنیم. در حین مرور برنامه ها، یکی از رفقا آموزش هایی هم جهت مقاومت در برابر پلیس به ما داد، که در صورت حمله پلیس بتوانیم از خود و رفقای دیگرمان دفاع کنیم. البته در هر یک از این سه کمپ تیم هایی وجود دارند که به داوطلبین آموزش مقاومت در

مقابل پلیس و آمادگی رزمی می دهند. تصادفاً با دختر جوانی بنام سارا آشنا شدیم که به سختی فارسی حرف می زد، گفت ایرانی است و یکی از مسئولین تیم آموزش تاکتیک ها رزمی مقاومت در مقابل پلیس است. شنیدیم که ساعت ۲ نیمه شب پلیس به وارد کمپ شده و چند تن از مسئولین کمپ را برای مدتی بازداشت کرده است، و واکی تاکی های آنها را مصادره توسط پلیس مصادره شد. (مسئولین کمپ برای هماهنگی بین خود و پیشبرد امور کمپی با بیش از چند هزار نفر ساکن، از واکی تاکی استفاده می کنند).

پس از دوش سرد و صبحانه آماده رفتن به تظاهراتی شدیم که بمناسبت ۴۰ سال اشغال سرزمین های فلسطینی توسط اسرائیل بود و هم چنین علیه دیوارهایی که دولت اسرائیل در مناطق فلسطین اشغالی برای کنترل مردم فلسطین کشیده است "دیوارهای آپارتاید". ... ما با شعارهای تیم مان و بنر کمیته هماهنگی ایرانیان ضد ج ۸ با شعار «نه به جمهوری اسلامی و نه به جنگ و دخالت های امپریالیستی» به تظاهرات پیوستیم. (کمیته هماهنگی ایرانیان ضد ج ۸ در این چند روز عملاً اغلب فعالین زنان هشت مارس، چند تن از جوانان فعال جنبش دانشجویی و هم چنین برخی رفقای حزب کمونیست ایران «م ل م» هستند).

این تظاهرات با فشار پلیس پایان یافت و بخشی از تظاهر کنندگان به تظاهراتی علیه کمپانی کاترپیلار، کمپانی که بولدورهای می سازد که دولت اسرائیل توسط آنها خانه های مردم فلسطینی را ویران می کند. بخش دیگری به تظاهرات علیه "نظامی گیری" در منطقه Warnemunde پیوستند. پلیس برای ممانعت از این تظاهرات بسیاری از تظاهرکنندگان را در ایستگاه ترن همین منطقه متوقف کرد.

پلاکارد بزرگ ما که روی آن نوشته فارسی هم داشت، نه فقط توجه تظاهرکنندگان بلکه توجه رسانه های خبری بسیاری را بخود جلب کرد. شعار رادیکال این پلاکارد موجب تقویت روحیه انترناسیونالیستی و جلب بسیاری از دختران و پسران فعال جوان به ما شد.

طی تظاهرات افراد بسیاری از کشورهای دیگر که برخی فعال سیاسی هم بودند به ما مراجعه می کردند و بحث های بسیاری مربوط به دنیای دیگر بین ما و آنها انجام گرفت....

تعداد پلیسها از تعداد تظاهرکنندگان بیشتر است و خود این نه فقط موجب خنده و تمسخر همه فعالین بود بلکه برخلاف قصد پلیسها، باعث تقویت روحیه ما شده است.

بعد از این تظاهرات بسوی فرودگاه رفتیم. قرار است امروز ساعت ۱۹ جورج بوش به این فرودگاه می رسد. در ایستگاه Schwaan مسیر قطار، پلیسها در حال تفتیش بدنی افراد هستند و چند تن از رفقای ما را نیز برای تفتیش و کنترل کارت شناسایی متوقف کردند.

ایستگاه قطار ۱۵ کیلومتری با فرودگاه فاصله داشت، دیدیم بیش از ۲۰۰۰۰ پلیس در آنجا متمرکز شده اند. با نشان دادن کوله ها و ساک دستی و پاسپورت توانستیم از سد پلیس بگذریم. منتهی هیچ اتوبوس و یا وسیله نقلیه دیگری وجود نداشت که ما بتوانیم به فرودگاه برسیم. این هم تاکتیک چند روزه پلیس است که نگذارد تظاهرات کنندگان به محل های تجمع برسند. ما مانند سایر گروهها سعی کردیم جلوی ماشین های شخصی را بگیریم تا ما را به فرودگاه برسانند. اولین ماشین که ایستاد سه نفر را سوار کرد. جمعیت با دست زدن دختر جوان راننده را تشویق کردند. بالاخره ما توانستیم جلوی چند ماشین شخصی را بگیریم و بزور در ماشین ها خود را بچابانیم.

....

..... نزدیک به ده هزار نفر در این تظاهرات شرکت داشتند. تظاهرات در قسمت های

مختلف فرودگاه جریان داشت. بیش از ده نفر در جاده ۱۰۳ منتهی به فرودگاه از میان تظاهرکنندگانی که این جاده را بسته بودند دستگیر و زخمی شدند. وقتی هواپیمای بوش رسید مردم فریاد می زدند "بوش آشپزها در حال تهیه سوپ خوبی برایت هستند"، و هم چنین شعار "بوش، تروریست"

نزدیک فرودگاه، حصار کشیده بودند که نمی توانستیم از آن منطقه جلوتر برویم. به هر حال در ابتدای صف تظاهرات در این قسمت قرار گرفتیم. رسانه ها بسوی ما هجوم آوردند: گروهی از خاورمیانه ضد جی ۸.

شعار دادن را آغاز کردیم و گروهها دیگر با ما همراهی کردند. در صف اول تظاهرات بودیم و باید با شعار دادن نقشی را که معمولا نیروهایی که اول صف تظاهرات قرار می گیرند ایفا کنیم. تیم کوچک ما با رادیکالترین شعارها قادر شد جو این بلوک از تظاهرات را رادیکال کند.

پلیس در یک قدمی ما بود و آماده حمله و تعدادی از آنها در حال فیلم گرفتن از جمعیت بودند. این کار پلیس بیشتر بروز زبونی و ناتوانی اش بود تا نمایش قدرت. اعلامیه های باقی مانده را پخش کردیم و هر بسته که تمام می شد نفسی راحت می کشیدیم بارمان کمتر می شد. یکی از رفقای تیم مان سخنرانی کرد و مورد استقبال بسیار از سوی جمعیت قرار گرفت.

در پایان تظاهرات برای بازگشت به ایستگاه مرکزی ترن باز هم مجبور شدیم جلوی ماشین ها را بگیریم ...

به ایستگاه راه آهن رسیدیم ... ما سرشار از شور و امید در داخل قطار به شعار دادن ادامه دادیم و سرود انترناسیونال خواندیم و بسیاری را درون واگنهای قطار به وجد آورده و با خود همراه کردیم. هر گروهی به زبان خودش سرود انترناسیونال را زمزمه کرد. احساس بودن با هزاران نفر برای تحقق جهانی دیگر بسیار دلپذیر است. در این روزها بطور مداوم شعار "زنده باد همبستگی بین المللی" به هم زبانها شنیده می شود شعاری که ملودی اش از زیباترین ملودی های مشترک همه زبانهاست.

پالاخره به کمپ رسیدیم و پس از استراحت برای تماشای ویدئوی سخنرانی باب آواکیان صدر حزب کمونیست انقلابی آمریکا به یکی از چادرهای بزرگ کمپ رفتیم. "مری لو گرین برگ" از فعالین این حزب مسئول این جلسه بود. مری لو را از راهپیمایی ۵ روز کارزار زنان در مارس ۲۰۰۶ می شناسیم. هر از چندی در این روزها او را در صف تظاهراتها می دیدیم.

.....

چهارشنبه ۶ ژوئن - روستوک

بستن همه راههای هایلینگندام (BLOCK G8)

فرودگاه روستوک و همه راههای مختلف بسوی هایلینگندام محل اجلاس سران بسته خواهدشد!



امروز روز بستن همه راهها بسوی هایلیگندام محل اجلاس سران است و همه نیروهای مخالف جی ۸ در مجموعه ای از آکسیون های غیر مرکزی تمامی راههایی را که بسوی شهر هایلیگندام منتهی میشود اشغال و مسدود خواهند کرد.

صبح زود از کمپ خارج شدیم تا خود را به مردمی که می خواهند همه جاده های منتهی به محل اجلاس سران را ببندند برسانیم.

به هر زحمتی بود خود را به محل تقاطع تجمع مردمی که از سه کمپ می آیند، رساندیم. البته کمپ Reddelish نزدیکترین کمپ به محدوده ممنوعه ای است که پلیس تعیین کرده است. محدوده ممنوعه با دیوار آهنی بطول ۳/۵ کیلومتر اطراف دهکده کوچک هایلیگندام، محل اجلاس سران هشت کشور بزرگ صنعتی مشخص شده است.

برای نزدیک شدن به دیوار همه گروهها می باید از راههای جنگلی و بیشه زارها عبور می کردند. راههای معمولی توسط پلیس محافظت می شد. برای رسیدن به منطقه ممنوعه باید از کوره راهها می رفتیم

پس از طی مسافتی حدود ۲ کیلومتر بیشه و جنگل و نهرهای آب بالاخره به جاده اصلی منتهی به محل اجلاس سران رسیدیم. پلیس سعی کرد با فشار ما را برگرداند که با اعتراض و مقاومت و گذشتن از ریل راه آهن ماشین های پلیس را پس زدیم.

حین گذشتن از بیشه ها، گله ای گاو که از دیدن این همه آدم وحشتزده شده بودند ناگهان بطرف یک پلیس هجوم بردند و صحنه فرار این پلیس از دست گاوها واقعا خنده دار بود.

بالاخره در چندمتری دیوار قرار گرفتیم. حالا دیگر جمعیتی چند هزار نفره بودیم. چند صف اول تظاهرات ایستاده بودند چون هر آن امکان درگیری با پلیس بود و صف های بعدی روی زمین اطراق کردند. و جاده اسفالتی منتهی به هایلیگندام را بستند،

بطوری که حتی یک ماشین هم نمی توانست از این جاده عبور کند. صف تظاهرکنندگان به طول ۳ تا ۵ کیلومتر جاده را بسته بود.

در چندمتری دیوار آهنی از چهار طرف در محاصره پلیس بودیم. از یک سو سیم خاردار که می گویند جریان برق هم از آن رد کرده اند. جوانان روی آنها چوب انداختند تا خنثی شود، از سوی دیگر در دو طرف جاده هم ماشین های پلیس دورمان بودند. هنوز تصمیم گیری نشده بود که چگونه می خواهیم از دیوار عبور کنیم.

جمعیت مانند دهها نهر بزرگ از هر بیشه و جنگل و کوره راهی در حال پیوستن به سه محل استراتژیک بودند. از هر گوشه و راه فرعی و از میان علف هایی که به کمر می رسد جمعیت های هزار نفری در حال تلاش برای رسیدن به این سه محل نزدیک دیوار بودند. همه پاها تا زانو در آب و گل و لای فرو رفته بود.

(برای بستن ورودیهای شهر، تمرکز بر سه دروازه اصلی منتهی به شهر بود. این سه دروازه بترتیب دروازه شماره ۱ Hinter Bollhagen و دروازه شماره ۲ Bad Doberan و دروازه شماره ۳ Admanshagan بود. ما تمام مدت حول و حوش دروازه شماره ۱ قرار داشتیم.

در حال نزدیک شدن به دروازه یک بودیم. مرتبا از بخش های دیگر به محلی که ما قرار داشتیم خبر می رسید. پس از حدود یک ساعت به ما خبر رسید که ۱۵۰ نفر در لباس دلک در بخش دروازه ورودی شماره ۲ دارند به دیوار نزدیک می شوند و پلیس با ماشین های فشار آب قوی به آنها حمله کرده است. باز خبردار شدیم تظاهرکنندگان با چندین اتوبوس اتوبان فرودگاه روستوک به دهکده هایلیگندام را مسدود کرده اند.

بسیاری از شرکت کنندگان در آکسیون مسدود کردن راهها، کوره راهها را نمی شناسند. نقشه هایی آماده شده بود که در بین مردم پخش شد. در این نقشه ها همه راههای فرعی و دور از چشم پلیس کشیده شده بود و راهنمای خوبی بود که هزاران نفر خود را به سه منطقه اصلی نزدیک به دیوار برسانند.

ما هنگام رسیدن به دروازه شماره یک با یک جمعیت بزرگ متشکل از افراد Black Block که از تحرک بالایی برخوردار بودند و خود را برای یک نبرد جدی آماده می کردند روبرو شدیم. همین جوانان تا ساعتی که برای تان گزارش می نویسم با پلیس برخورد آرامی دارند چون می خواهند خود را به سه محل استراتژیک برسانند و نمی خواهند قبل از رسیدن با برخوردهای نسنجیده درگیری پیش از موعد شروع شود.

ساعت ۴ بعدازظهر است. ما نزدیک به ۶۰۰۰ نفر ریل قطار و جاده بخش خودمان را مسدود کرده ایم. دوطرف دیوار سنگین و آهنی پلیس است. بالای سرمان هفت هلیکوپتر مدام می چرخد. از چرخش هلیکوپترها در فاصله های دورتر می فهمیم که آنجا نیز جمعیت در حال بستن مسیرها هستند.

حالا دیگر همه مسیرها بسته است و ... همراهان سران هشت کشور باید مخفیانه و دور از چشم جمعیت معترض از راههای مخفی در زمین و آسمان خودشان را به هتل های شان برسانند. این هیئت ها که امروز باید مخفیانه و در دایره حفاظت ۱۶۰۰۰ پلیس و هلیکوپترها خود را به محل اجلاس برسانند می گویند که منتخب مردم جهان هستند!

زنده باد این جنبش جهانی که توانسته است با فعالیت شبانه روزی ماسک دمکراسی را از چهره ستمگران جهان بردارد.

زنده باد هزاران هزار نفری که در باران، گل و لای و با تلاش شبانه روزی در حال پاره کردن ماسک های دروغین حاکمینی هستند که هیچ مشروعیتی ندارند.

ما منتظریم و همه می خواهند تا فردا این ورودی ها را مسدود نگذارند. همه مصممند که نگذارند هیئت های هممره سران هشت کشور با خیال راحت از جاده ها و مسیرهای اصلی به محل اجلاس برسند. خنده دار است که اینها در میان تانکهای آب

پاش و گاز اشک آور می خواهند از پروژه "دمکراسی" یعنی پروژه استثمار و سرکوب بیرحمانه مردم جهان و پروژه جنگ های تجاوزگرانه "آزادی بخش" سخن بگویند. در قسمتی که ما قرار گرفته ایم کسی پلاکارد و بنر ندارد ... شعار "نه به ارتجاع، نه به امپریالیسم" ... پرچم مان در دست هزاران نفر است. بسیاری از اینکه پلاکارد آورده ایم خوشحالند چرا که در میان هزاران نفر که جاده را مسدود کرده اند این پرچم ها در یک کلام خواست مان را به تصویر کشیده است. ساعت نزدیک ۷ شب است حمله پلیس شروع شد. با فشار در حال پراکنده کردن جمعیت هستند. بسیاری رفتند تا به دو نقطه استراتژیک دیگر بپیوندند. مرتباً از حمله پلیس در دو منطقه دیگر خبر می رسد تا کنون بسیاری دستگیر و زخمی شدند. ما در حال ترک منطقه و بازگشت به کمپ هستیم.

کمپ روستوک ساعت ۹ شب

الان از آکسیون بستن راهها برگشته ایم. کمپ کاملاً در محاصره پلیس است. پلیس می خواهد همه کمپ را جستجو کند. تیم قانونی کمپ نیز در حال مذاکره با پلیس است. پلیس هیچ دلیل باصلاح قانونی برای این کار ندارد. می گویند دنبال فقط "یک نفر" هستند که سازمانده است! با اینکه بخش زیادی از مردم هنوز از آکسیون بستن راهها بازنگشته اند، ولی تقریباً ۳۰۰۰ نفر هم اکنون در کمپ هستند. از موقعیت سه کمپ دیگر هنوز خبری نداریم.

تا کنون نزدیک به ۲۰۰ نفر دستگیر شده اند. یکی از دستگیر شدگان خبرنگار "اشترن" آلمانی است که به جرم تحریک برای خشونت دستگیر شده است!! اتوبوس تظاهرکنندگان از آمستردام ضمن بازرسی توسط پلیس برخی وسایل داخلش مصادره شد. محلی که وکلای مترقی برای این چند روز مستقر شده بودند تا به دستگیرشدگان کمک کنند توسط پلیس اشغال شد. به دو وکیل اخطار دادند که در صورت پافشاری دستگیر می شوند. نزدیک به چند هزار نفر هم چنان در دروازه شماره ۲ قرار دارند و بنظر شب را هم چنان در آنجا باقی خواهند ماند.

فردا کمپ را با کوله باری از تجربه و دانش از بزرگترین جنبش جهانی ضد جنگ، ضد سرمایه داری ... ترک می کنیم و به خانه هایمان باز می گردیم. تا تلاش نوئی را برای پیوند مبارزین ایرانی با بزرگترین جنبش ضد سرمایه داری، ضد جهانی سازی سرمایه داری، ضد جنگ، ضد مردسالاری و برای ساختن جهانی دیگر آغاز کنیم.